

مساله علمی اوپاما

در سخنرانی بیشتر افرادی که از نقاط مختلف دنیا به مرکز بینا فرهنگی کبوت دانشگاه تافتس پای گذاشتند، نکته مشترکی خودنمایی می کرد: «مذاکره با ایران»

دانشگاه تافتس ایالت ماساچوست
در روزهای پنجشنبه و جمعه، پنجم و ششم ماه مارس ۲۰۰۹، میزبان شماری از برجسته ترین نویسندگان روزنامه نگاران، اندیشمندان، محققان و استادان دانشگاه از سراسر دنیا بود که برای بحث و بررسی پیرامون چالش های پیش روی سیاست خارجی دولت جدید آمده بودند. این کنفرانس که در پنج مرحله برگزار شد، میزبان چهاردهای سرشناس نظامی و همین طور شخصیت های عالی رتبه دانشگاهی همچون نیکلاس برنز، استاد و عضو هیات علمی دانشگاه هاروارد، گری سیک، استاد ارشد دانشگاه کلمبیا و شهرام چوبین، رئیس بخش مطالعاتی مرکز سیاست امنیتی ژنو بود. اگر چه ماهها از اظهار نظرات این گروه می گذرد اما گویی با عدم تغییر جدی شرایط در خاورمیانه، این حرف ها همچنان تازگی دارند. شاید سخنرانی واقع گرایانه تر اوپاما در قاهره که مدتی بعد از این کنفرانس ایراد شد، به نوعی متاثر از همین توصیه ها بوده باشد. اما نکته جدی تر مساله برای کسانی که ماهها بعد از ماجرا، حاصل این کنفرانس را می خوانند، می تواند بر آورد نقاط قوت و ضعف ایران از خلال این گفته ها باشد.

محسن ابو الحسنی

ساختن جامعه بین الملل به ویژه سازمان ملل متحد، به مساله ایران و خاورمیانه برای همیشه فیصله دهد و راه را برای «خاورمیانه ای تمام آمریکایی» هموار سازد؛ ولی نه تنها به اهدافش نرسید که سبب شد ایالات متحده منفور و منزوی تر از قبل، بار دیگر خود را در خانه اول ببیند!

اکنون دولت باراک اوپاما که از روز اول تشکیل کابینه، کشورش را درگیر وحشتناک ترین بحران اقتصادی تاریخ آمریکا می بیند، می کوشد با تغییر در سیاست های پیشین و دگرگون سازی شیوه نگرش به این پیر کهنه کار خاورمیانه، به گونه ای، آب رفته را به جوی بازگرداند. ظاهرا یکی از گزینه های راه گشا برای چهل و چهارمین رئیس جمهور آمریکا، بهره گیری از اظهار نظر کسانی است که می توانند به دور از جانبداری یا جهت گیری های سیاسی، به این مساله از تمامی زوایا بنگرند و راه حل های مناسبی روی میز کار او در کاخ سفید بگذارند.

دانشگاه تافتس ایالت ماساچوست، در روزهای پنجشنبه و جمعه، پنجم و ششم ماه مارس ۲۰۰۹، میزبان

شماری از برجسته ترین نویسندگان، روزنامه نگاران، اندیشمندان، محققان و استادان دانشگاه از سراسر دنیا بود که برای بحث و بررسی پیرامون چالش های پیش روی سیاست خارجی دولت جدید آمریکا درباره خاورمیانه و به خصوص ایران، گرد هم آمده بودند.

این کنفرانس که در پنج مرحله برگزار شد، میزبان چهاردهای سرشناس نظامی از جمله دریا سالار ویلیام فالن، فرمانده پیشین یگان مرکزی ارتش آمریکا و استاد مرکز مطالعات بین المللی مؤسسه فن آوری ماساچوست، سر تیپ جان ابی زید، فرمانده لبنانی الاصل پیشین نیروهای آمریکادر خاورمیانه و استاد مرکز مبارزه با تروریسم مؤسسه هورور و همین طور شخصیت های عالی رتبه دانشگاهی دیگری همچون نیکلاس برنز، استاد و عضو هیات علمی دانشگاه هاروارد، گری سیک، استاد ارشد دانشگاه کلمبیا و شهرام چوبین، رئیس بخش مطالعاتی مرکز سیاسی امنیتی ژنو بود. این افراد از نقاط مختلف دنیا به مرکز بینا فرهنگی کبوت دانشگاه تافتس پای گذاشتند ولی یک نکته مشترک در سخنرانی بیشترشان خودنمایی می کرد: «مذاکره با

ایران». البته از بین ۳۵ نفر مهمان دعوت شده به این کنفرانس برای سخنرانی، یک نفر هم بود که برخلاف همه از جنگ سخن به میان آورد. شای فلدمن، مدیر صهیونیست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه براندایز آمریکا، باور داشت باید به ایران «حمله ای برق آسا و ناگهانی» اما محدود کرد.

در آخرین جلسه این کنفرانس، نوبت به جان اسپوزیتو، جان آلترمن، دیوید ایگنیشس و در نهایت رامی جورج خوری رسید. اسپوزیتو، استاد دانشگاه و مؤسس مرکز تفاهم اسلام و مسیحیت ولید بن طلال دانشگاه جرج تاون است که با پیش کشیدن آمار ۷۷ درصدی مؤسسه گالوپ درباره بیزاری کشورهای مسلمان از غرب و آمریکا، دلیل مساله را «دورویی غرب و معیارهای دوگانه آن در گسترش دموکراسی» می دانست. او ضمن توصیه به اوپاما برای کنار گذاشتن میراث منسوخ مهندسی سیاسی و گزینشی دولت های قبلی آمریکا، راه حل هایش را این گونه مطرح کرد: «کاهش فروش اسلحه، کاستن شمار سفارت و پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه که دخالت و تهدید این کشور را ملموس و محسوس می کند، عمل کردن به جای حرف زدن صرف، آغاز گفت وگوها با احترام به مسلمانان، زیر فشار قرار دادن حامیان اسرائیل و بالاخره به رسمیت شناختن نقش کلیدی حماس و حزب الله به عنوان ایفاگران نقش های سیاسی بزرگی همچون برگزاری انتخابات آزاد».

آلترمن، مدیر ارشد مرکز مطالعات راهبردی و بین المللی، مشکل اصلی سیاست خارجی آمریکا را در نوع راهبردهای اتخاذی دانست: «ایران می کوشد همه چیز را در وضعیت موجود نگه دارد و همین، موجب بی تعادلی آمریکا می شود؛ تلاش می کنیم آنها را عقب بنشانیم، در حالی که نیروهایمان مساوی نیستند و این مقابله نامتقارن است. آنها هیچگاه مستقیم سرشاخ نمی شوند و این در حالی است که ما همواره مشغول یافتن ابزاری برای مقابله هستیم». او باور داشت مساله ایران را نباید حل کرد؛ باید مدیریت کرد؛ «ایرانی ها تجربه روبرویی با شوروی را در زمان جنگ سرد دارند و یاد گرفته اند چگونه از مذاکرات، خطرها و تهدیدها به سلامت بیرون آیند». آلترمن، با اشاره به بیشتر شدن وجهه ایران در منطقه در صورت جدی جلوه دادن تهدید آن (که از آن به چرخه بسته تعبیر کرد)، این پیشنهادها را به اوپاما ارائه کرد: «ارزیابی هوشمندانه از نیازها و نه آرزوها، بهره گیری از کمک کسانی که در خاورمیانه به آمریکا سود می رسانند و تغییر دادن سطح انتظاراتها».



در این بین یک نفر هم بود که برخلاف همه، از جنگ حرف زد: شای فلدمن، مدیر صهیونیست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه براندایز آمریکا

کندی گفت که نباید فقط جلو دماغتان را ببینید، باید در این زمینه هم با دموکراسی پیش رفت.» او با اشاره به سفری که در گذشته به ایران داشت، گفت: «ایرانی ها فکر می کنند دیپلماسی مانند رانندگی بدشان است. می توانند هر چقدر می خواهند تند بروند و ناگهان ترمز کنند! فکر می کنند عقلانیت ما باید جور بی عقلی شان را بکشد. نکته جالب، قانون الزام آور کمر بند ایمنی در ایران است! اگر آنجا در بزرگراه با سرعت برانید، پلیس با اسلحه از راه می رسد! نکته اساسی این است که شما نباید با ملتی که قانون کمر بند ایمنی را اجباری می کند، مقابله کنید!» ایگنیشس توصیه هایش را این طور جمع بندی کرد: «۱. تقلید کردن از ایرانی ها در شیوه به کارگیری قدرت ۲. زیرک بودن - نباید بگذاریم عرب های خلیج فارس فکر کنند آمریکا زود تسلیم زیرکی ایران می شود. ۳. صبور بودن به همان اندازه که آنها هستند ۴. اثبات حقانیتمان، زیرآ ایرانی ها خود را طلا بدار ارزش هایشان می دانند. ما نیز نباید به شیوه خود، از حقانیت و مواضعمان دست بکشیم.»

ایگنیشس: نمی توان مساله هسته ای را فراموش کرد. البته اگر اسرائیل دست از سر ما بردارد! چون اسرائیل فکر می کند ۲۰۰۹ سال تعلق ها، قطعنامه ها و سخت گیری بر ایران است



ایگنیشس، مقاله نویس برجسته واشنگتن پست، سخنانش را با یک شوک آغاز کرد: «اگر قبل از یازده سپتامبر نظرم را در مورد گزینه های پیش روی آمریکا می خواستید، می گفتم روبرویی نظامی ولی اکنون تنها راه، تغییر در دیپلماسی است». این روزنامه نگار پر تجربه با رد عبارت «معامله بزرگ» که از سوی دیگر سخنرانان مطرح شده بود «معماری امنیتی» را هدف آمریکا از مذاکرات با ایران برشمرد؛ «ایران خواهان مذاکرات جدی، مداوم و بی نقص بین دو قدرت برتر (خودش و آمریکا) است». ایگنیشس، ناکامی آمریکا را در برقراری رابطه با ایران، توجه نکردن به ساعت دوم در «مساله دوساعتی» دانست؛ «ساعت اول در جهت مذاکرات ایران و آمریکا می گردد و البته وقت گیر است و ساعت دوم در جهت برنامه هسته ای ایران می چرخد. نمی توان مساله هسته ای را که فضای بازی برای گفت وگو فراهم می آورد فراموش کرد! البته اگر اسرائیل دست از سر ما بردارد! چون اسرائیل فکر می کند ۲۰۰۹ سال تعلق ها، قطعنامه ها و سخت گیری بر ایران است. همان طور که جان، اف.